



koorosh.modarrei@gmail.com

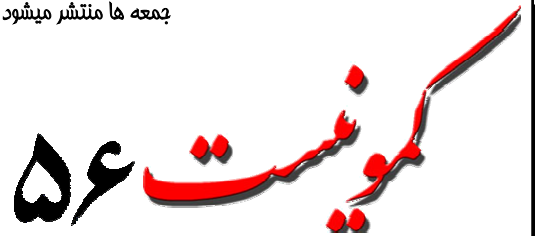
رفقای عزیز عبدالله دارابی، مجید حسینی، کمال مریزان، خالد علی پناه، سردار نگلی ویدی کریمی رفقای عزیز گارد آزادی

حضور علنی شما رهبران کمونیست در میان مردم که با حمایت تام و تمام مردم، قدرت نظامی گارد آزادی و جسارت و کاردانی شما ممکن گردید بار دیگر، قدرت در کردستان و نفوذ، قابلیت و جسارت رهبران کمونیست را نشان داد.

این حضور مکمل اعتصاب سراسری مردم کردستان در ۱۶ مرداد بود. و بازتاب گسترده آن در ایران بار دیگر نشان داد که کردستان سنگر کمونیسم، سنگر آزادی و برابری سنگر رهائی انسان در انقلاب ایران است. پایه اجتماعی، قدرت نظامی و نفوذ توده ای رهبران کمونیست در میان مردم، بدون تردید اهرم تعیین تکلیف نهائی قدرت در سراسر ایران به نفع آرمان رهائی انسان خواهد بود. شما، نیروهای گارد آزادی و حزب ما نشان دادید که این را تضمین خواهند کرد.

دست شما را میفشارم و برایتان آرزوی پیروزی دارم

کورش مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: اعظم کم گویان ۱۱ شهریور ۱۳۸۴ - ۲ سپتامبر ۲۰۰۵

www.hekmatist.com



Iraj.farzad@gmail.com

### ایرج فرزاد

اجرای قتل عامهای خونین زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ است و کسی است که یار و مشاور و قاضی شرعی چون حسینبان دارد، که در ماجرای "خودکشی" سعید امامی، صریح و بی پرده و وقیح گفت که خود شخصا زمانی "قاتل" بوده است! منوچهر متکی، وزیر خارجه، متهم اصلی هدایت و سازماندهی ترورها در خارج کشور، مخصوصا در عراق، ترکیه و قبرس، است.

### کابینه قاتلین حرفه ای

نگاهی به "کابینه" احمدی نژاد و ترکیب این کابینه و تاریخی که پشت سر هر کدام از "وزرا" قرار دارد، باید به هر کسی نشان بدهد که "دولت" احمدی نژاد که، خود شخصا نیز از تبار همان اعضای کابینه است، در برابر مسیری که جمهوری اسلامی در پیش گرفته است، هدف و استراتژی معینی را در دستور خود گذاشته است. شخص احمدی نژاد و اعضای کابینه اش به رده ای از سران جمهوری اسلامی تعلق دارند که معماری کشتارهای سالهای ۶۰ و ۶۷ و ترورهای عناصر اپوزیسیون در خارج کشور، و هدایت عملیات تروریستی در منطقه را برعهده داشته اند. مصطفی پورمحمدی، مهره اصلی وزارت اطلاعات در معاونت فلاحیان سالها به "اسلام" خدمت کرده است. محسن اژه ای، وزیر اطلاعات از نورچشمیهای خمینی در

صفحه ۳

### شهریور ۶۷ آشوتیسی اسلام سیاسی



azam\_kamguian@yahoo.com

### اعظم کم گویان

آغاز عروج اسلام سیاسی در جهان، دورانی در تاریخ است که می توان آن را با سالهای دهه ۱۹۳۰ در آلمان

نازی مقایسه نمود. این دوره در ایران گذشته ام که در ای در تاریخ جامعه ایران است که بشریت در جهان وسیعا از آن بیخبر است. از صد هزار انسان از ۱۹۷۹ به دورانی که اگر شدت و حدت جنایاتی که علیه انسانیت صورت گرفت، در سطح جهان افشا می شدند بحق و قطعا مانند جنایات فاشیسم مورد نفرت و انزجار افکار عمومی بین المللی قرار می گرفتند. من هزار و هزاران روزهایی را



fateh\_sh@yahoo.com

### فاتح شیخ

اوست. به نظر میرسد فشار واقعیات خاورمیانه و مخمصه ای که آمریکا در عراق به آن دچار شده،

### تخلیه غزه:

### آغاز پایان اشغال فلسطین

### یا پایان عقب نشینی شارون؟

با تخلیه غزه سرانجام، باریکه ای از مناطق اشغالی فلسطین از سلطه اشغال و سرکوب نیروهای نظامی اسرائیل خارج شد. سیاست اشغال تخلیه غزه را به نقطه پایان مجدد مناطق فلسطینی که توسط شارون جانشین جدول زمانی قرارداد اسلو شده بود اکنون به ناگزیر جای خود را به سیاست دیگری داده است. این سیاست تا کجا جلو میرود؟ شارون هنوز میکوشد تخلیه غزه را به نقطه پایان عقب نشینی خود تبدیل کند؟ اینکه آیا میتواند یا نه مساله ای خارج از اراده

صفحه ۴

### گارد آزادی، پیام آور آزادی و برابری

### تغییرات در سازمان ارگانهای

### رهبری حزب

صفحه ۳

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اما آنچه مهمتر از این فاکتورهای محلی به شارون در مسیر عقب نشینی مهمیز میزند، اوضاع مخمسه بار آمریکا در عراق و انعکاس آن در فشار نیروهای ضد جنگ در آمریکا و دم در آقای بوش است. بوش امروز بیش از همیشه نیاز دارد که فشار گرفتاری در باطلاق عراق را با دخالت در تسریع پروسه تشکیل دولت فلسطین به خیال خود بر خود کاهش دهد.

تخلیه همه مناطق اشغالی و تشکیل دولت مستقل و متساوی الحقوق فلسطین یک ضرورت سیاسی خاورمیانه است که به رغم یافتاری شارون باید متحقق شود.

قیمت این ددلاین را هم هرچه بتواند عقبتر ببرد، تا هم در داخل اسرائیل به سیاست راست افراطی لطمه کمتری وارد آید و هم فرمان امتیاز بر دولت فلسطین را همچنان در دست خود و دولت قومی مذهبی اش نگهدارد. در این مسیر دست تروریسم اسلامی دست اسرائیل و شارون را تقویت میکند. محمود عباس با در پیش گرفتن سیاست قاطع در برابر حماس و جهاد میخواید

اتحاد مقدس میان اسلاميون و دولت اسرائیل را نیم کلاج رد کند تا پروسه تشکیل دولت فلسطین بتواند سر وقت به نتیجه برسد. در این میان دولت مصر با امتیازاتی که هم اکنون برای سرمایه گذاری در نوار غزه از مقامات فلسطین گرفته است عملاً نقش یک میانجی موثر را به عهده گرفته است.

درجه ای فرش از زیر پایشان کشیده شده است فوراً به "دعوت" شارون جواب دادند. ترور انتحاری دو روز پیش در جنوب اسرائیل همان چیزی بود که شارون در این شطرنج خونین با حساب دقیق پیش بینی کرده بود. محمود عباس با محکوم کردن بی ابهام ترور هر دو طرف کوشید و درخواست کرد که این گردونه مسابقه ترور اسرائیلی - اسلامی باز به حرکت نیفتد. شارون اما

میخواهد گذشته از قرارداد فراموش شده اسلو، قرارداد آتش بس شرم الشیخ و جدول زمانی "نقشه راه" بوش را هم نقض کند. مطابق این جدول که خود شارون پایش امضاء گذاشته، باید پروسه تشکیل دولت فلسطین تا پایان ۲۰۰۵ یعنی تا چهار ماه دیگر تکمیل شود. شارون میخواید به هر

به شارون مدال قهرمانی و جسارت غیرقابل وصف میدهند. ذره ای حقیقت در این تصویرسازی وجود ندارد جز اینکه بخشی از سیاستگذاران آمریکا میخواید به معمار سیاست های فاشیستی اسرائیل پوششی از رگبار تبلیغاتی برای عقب نشینی اش بدهند. شارون اما در تلاش است که از این پوشش برای متوقف کردن عقب نشینی اش استفاده کند.

دستور حمله هوایی و قتل تروریستی هفته گذشته در طولكرم، درست در گرماگرم تخلیه غزه، آشکارا با هدف دستاویز دادن به حماس و جهاد برای تلافی تروریستی و یک دور دیگر مسابقه ترور و کشتار و خون پاشیدن به پروسه "نقشه راه" بود. اسلاميون که با تخلیه غزه به

مانند تندبادی شارون را علیرغم میلش به جلو خواهد راند. عقب انداختن بیش از این تشکیل دولت فلسطین از شارون ساخته نیست، زیرا آمریکا برای کاهش فشار مخمسه عراق به آن نیاز دارد. رابیس وزیر خارجه آمریکا این را یک ماه پیش در دیدار خصوصی با شارون در گوش او خوانده است.

راست افراطی اسرائیل با قتل اسحاق رابین و در ادامه با سیاست های ناتانیاهو و شارون توانست قرارداد اسلو را جلو چشم جهان گم و گور کند. مطابق جدول زمانی قرارداد اسلو میبایست در سپتامبر ۱۹۹۹ دولت مستقل فلسطین شکل نهایی بگیرد. اکنون نزدیک شش سال از آن ددلاین میگذرد و میدیای غرب دارند بخاطر تخلیه غزه

گفت و دل جهانیان را از شدت و حدت زخم و دردهایشان به درد خواهند آورد، خاوران ها و لعنت آبادها به نمایشگاه سعیت و توحش اسلامی تبدیل خواهند شد، جایی که بازدید کنندگان از سراسر جهان با آگاهی از جنایات فاشیسم اسلامی به قربانیان آن ادای احترام خواهند کرد. انوقت مردم جهان در خواهند یافت که اسلام سیاسی چه پدیده مهوع و نفرت انگیزی است. آنگاه مردم در مورد آشویتس اسلام سیاسی سخن خواهند گفت. آنگاه جنایات اسلام سیاسی به بخش انکار ناپذیری در تاریخ جنایت علیه بشریت تبدیل خواهد شد و نسلهای آینده آن را با رعب و وحشت به یاد خواهند آورد. و آنگاه نسل شکست نخوردگان جایگاه و حرمت واقعی خود را باز خواهد یافت.

و همچنین نسل بعدی داشت. عبارت دیگر، اسلام سیاسی زندگی، آرزوها و امیدهای سه نسل پی در پی را ویران و تخریب نمود. طی آن سالها، میلیونها کودک در اثر آموزش اسلامی شستشوی مغزی شدند و مورد دست اندازی اسلام و الله قرار گرفتند. جنایاتی که توسط جمهوری اسلامی ایران و جریانات اسلام سیاسی در منطقه انجام شدند با جنایات فاشیسم در دوره ۱۹۴۵-۱۹۳۳ و نسل کشی ها در رواندا و اندونزی قابل قیاس هستند.

با سرنگونی این رژیم به قدرت مردم انقلابی، جهانیان سرانجام تمامی حقیقت را در می یابند: قربانیان در مورد زخمها و ضایعات روحی و جسمی که دیده اند حرف می زنند؛ زندانها و دهلیزهای شکنجه گاهها برای عموم مردم قابل رویت خواهند شد؛ روشهای شکنجه شادگان در مورد

مبلغی پول می پرداختند.

در شهریور ۶۷ این نسل کشی ابعاد غیر قابل باوری پیدا کرد. آشویتس اسلام سیاسی در این مقطع خلق شد. زندانیانی که در زندان بوده و هنوز اعدام نشده بودند، هر روز سپیده دم با صدای گلوله هایی که به سوی دوستان و هم سلولی هایشان شلیک می شد، از خواب بیدار می شدند. از تعداد گلوله های شلیک شده می توانستی بفهمی که هر روز چند نفر به قتل رسیده اند. ماشین آدمکشی یک لحظه هم از کار نمی ایستاد. آشویتس اسلامی خلق شد. بسیاری از بهترین، پر شورترین و مترقی ترین افراد را به خاک و خون کشاندند. ابعاد این جنایتها غیر قابل توصیف است.

این آنچه است که بر سر نسل من آمد، اما صرفاً به آن نسل منحصر نماند و پیامدهای خونینی برای پدران و مادران

جمهوری اسلامی در داخل و خارج ایران.

من، همراه با هزاران زندانی سیاسی دیگر با حکم نماینده الله - حاکم شرع - وحشیانه شکنجه شدم. شکنجه می شدم در حالیکه آیه های قرآن در دهلیزها و اطاقهای شکنجه پخش می شد. صدایی که آیات قران را می خواند با فریادهای زجر آلود ناشی از ضربه های شلاق و سایر اشکال شکنجه به ما، قاطی می شد. هزاران انسان توسط جوخه های اعدام که آیه های قران در مورد مفسدین فی الارض و محاربین با خدا را می خواندند به قتل رسیدند. خدا و قرآن خواستار مرگ وحشیانه مخالفین حکومت اسلامی، و بی دینان هستند.

پدران و مادران و همسرانی که لباسهای خونین عزیزانشان را دریافت می کردند، باید برای گلوله هایی که صرف کشتن آنها شده بود،

شدگان را هر روزه اعلام می کردند. روزهایی که در آنها سربازان اسلام به انتشاراتی ها و کتابفروشیها حمله کرده و تخریب و کتاب سوزان می کردند. روزهای حمله مسلحانه به گردستان و به دانشگاهها و کشتار مردم و دانشجویان بیگناه در سراسر کشور. هفته ها و ماههای تهاجم خونین به اعتصابات و تظاهرات کارگری. سالهای سرکوب و کشتار وحشیانه بی خدایان، آزاد اندیشان، کمونیستها، مارکسیستها، بهائیان، زنانی که در مقابل حجاب و آپارتاید جنسی مقاومت کردند و بسیاری دیگر که از هیچیک از این گروهها نبودند، کسانی که صرفاً بخاطر ظاهر غیر اسلامی شان در خیابانها دستگیر و بلافاصله اعدام شدند. سالهای کشتار توده های جوانان و نوجوانان در جنگ ایران و عراق و سالهای ترور وحشیانه مخالفین

www.marxhekmatsociety.com

www.koorosh-modaresi.com

hekmat.public-archive.net

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!



## تغییرات در سازمان ارگانهای رهبری حزب

به پیشنهاد دبیر کمیته مرکزی و تصویب دفتر سیاسی حزب در آرایش کمیته های تشکیلات کل کشور (کمیته داخل)، کمیته تشکیلات خارج کشور، کمیته کردستان و تحریریه مرکزی حزب تغییرات زیر بوجود آمد است.

رفقا مظفر محمدی، بهرام مدرسی، خالد حاج محمدی و اسد گلچینی به عنوان اعضای کمیته داخل از دفتر سیاسی رای اعتماد گرفتند. این کمیته در اولین نشست خود اسد گلچینی را به عنوان دبیر کمیته تشکیلات کل کشور انتخاب کرد.

رفقا آذر مدرسی، سعید آرمان، اسد نودینیان و محمد جعفری بعنوان اعضای کمیته تشکیلات خارج کشور تعیین شدند و از دفتر سیاسی رای اعتماد گرفتند. این کمیته در اولین نشست خود آذر

مدرسی را بعنوان دبیر کمیته تشکیلات خارج کشور انتخاب نمود.

از طرف دبیر کمیته مرکزی هیات تحریریه مرکزی حزب شامل رفقای زیر معرفی شدند: عبدالله شریفی، اعظم کم گویان، فاتح شیخ، فواد عبداللهی، حه مه سور، ایرج فرزاد، جمال کمانگر، محمود فروزینی، مهرنوش موسوی، محمد فتاحی، مصطفی اسد پور، رحمان حسین زاده، سعید کرامت و ثریا شهابی.

تحریریه مرکزی حزب انتشار دو نشریه کمونیست هفتگی،

و کمونیست ماهانه را بر عهده دارد. تحریریه در اولین نشست خود فاتح شیخ را بعنوان سردبیر کمونیست ماهانه، اعظم کم گویان را بعنوان سردبیر کمونیست هفتگی و ثریا شهابی را بعنوان دبیر داخلی تحریریه انتخاب نمود.

دفتر اجرائی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
۸ شهریور ۱۳۸۴ - ۳۰ اوت ۲۰۰۵

با توجه به اهمیت تعیین کننده فعالیت حزب در

از صفحه ۱

ارشادها و زخم شلاقها و تهدیدات مخوف بوده است. تمامی مقالات و تفاسیر صفا هرندی بوی خون و نفرت و کینه ای را میدهد که مابه ازای عملی آنها در زندانهای جمهوری اسلامی به قیمت قربانی کردن و مثله کردن هر کسی که کمترین نارضایتی از حاکمیت اسلام سیاسی نشان داده است تمام شده است. لاریجانی دبیر شورای امنیت ملی شده است که برنامه های "هویت" و "چراغ" و "عصر اشورا"ی او زبان تلویزیونی بازجویان و شکنجه گران زندانها و سخن و "سیمای" ماموران جوخه های اعدام بوده است.

چنین کابینه ای قرار است ماموریتهای کثیف و جنایتکارانه تشکیل دهندگان را به عنوان "برنامه" رئیس جمهور جدید اسلام در برابر جامعه ایران قرار دهد. جمهوری اسلامی امید بسته است تا از طریق ارعاب جامعه بشری نیز، خود را به عنوان یک رژیم غیر قابل حذف و ماندنی، حال که به تهدید دست بردن به سلاح اتمی هم روی آورده است، و قدرت تخریبی و تروریستی خود در عراق و خاورمیانه را هم نشان داده است، بالاخره دولتهای اروپائی را ناچار کند که از سر پراگماتیسم همیشگی این دولتها برای راه آمدن با حکومت هر دارودسته و باند مرتجع و فاشیست، قاعده بازی را رعایت کنند.

اما چنین رویاهای سیاه و خونین، به سد واقعیات ریشه دارتری در جامعه ایران برخورد میکند. اگر رژیم اسلامی، در سالهای دوران عروج خود بر یک موج ارتجاع "توده ای" سوار بود و حمایت "امت حزب الله" را پشتوانه بزرگترین کشتارهای سیاسی قرن ساخت، اگر در سالهای مقارن کشتارهای اسلامی سال ۶۰، نعره اسلام سیاسی در قدرت در توان خود می دید که ادعای صدور انقلاب اسلامی را به گوش مستضعفان "جهان اسلام" برساند و حتی در قلب کشورهای اروپائی سالروز "آزادی قدس" را راه اندازی کند، اگر طی آن سالها هجوم امت مسلمان به مراسم نماز جمعه و راه افتادن گله های "داوطلب" حزب الله علیه تجمعات و گردهماییها و کنفرانسها و "بی حجابها" و کفار و کمونیستها ... به پشتوانه آن موج ارتجاعی که به نام انقلاب مردم علیه سلطه رژیم شاه ممکن شد، و اگر هشت سال جنگ با عراق به "شهادت"های بسیاری از سربازان گمنام امام تداوم یافت و بطور خلاصه اگر آن موج قربانی شدن و قربانی کردنها زمینه قدرت "نوده ای" اسلام سیاسی برای راه انداختن چنان تصفیه های خونین مخالفین سیاسی و سرکوب جامعه را فراهم کرد، تغییر اوضاع جامعه ایران با نمایش ترجمان قدرت اسلام سیاسی در زندگی مادی سران رژیم اسلامی، آنها

بسیار واضح و بی پرده در مقابل چشم جامعه، اقلیتی انگل و مفت خور و جنایتکار را به تمامی در برابر کل جامعه گرفته است. مقایسه زندگی خانواده "شهدا و جانبازان"، و کل کسانی که به قیمت رفتن روی میدان مین و شهادت طلبی در "جبهه" و در مصاف با "ضدانقلاب" در کردستان تمام شد، با زندگی و ثروتهای افسانه ای اقلیتی مفت خور و طفیلی و آقا زاده هایشان به روشنی نشان میدهد، که امید به راه انداختن دور دیگری از اختناق و سرکوب عریان پوچ و اوها م است. چنین تصمیمی این بار نه حتی با بی تفاوتی بلکه با مقاومت سخت جامعه روبرو خواهد شد. بنابراین کابینه محترم احمدی نژاد ناچار است برای تکرار دور دیگری از داستان زندگی و کارکرد دورانهای سیاه یکه تازیها و تکرار جنون آدمکشهایشان، در مقیاسی اجتماعی، و اما با قدرتی به مراتب کمتر، به اوج خشونت و قهر و بی رحمی اسلامی پناه ببرند. اجرای چنین رویاهای جنون آمیز اسلامی، با قدرت مقاومت مردمی که نمی خواهند به سلطه بربریت عریان اسلامی تمکین کنند روبرو خواهد شد.

اما از نظر اقتصادی نیز جمهوری اسلامی و کابینه سربازجوها و مسئولین آشوبستهای اسلامی، از ارانه کمترین راه حلی برای بحران و بن بست اقتصادی سرمایه داری ایران عاجزند. رژیم اسلامی در شرایط انزوای

محافظه کاری اند. جامعه ایران با نسلی جوان و پرشور و پرتوقع و با مردمی که صرفا و منحصر به اتکا تاراج اموال و ثروت جامعه ایران و بساط چپاول اقتصادی دوا بر و نهادهای مختلف اسلامی به حیات سیاسی خود ادامه دهد. این رژیم، و بویژه با کابینه فعلی سوپر اسلامی و فلائزهای مدرسه "حقانی" و طلبه های آیت الله بزدی، از طریق اقتصاد امام زمان و طرحهای صلواتی، با مکانیسمهای سیاسی و اقتصادی و نیازهای تکنولوژیک یک جامعه هفتاد میلیونی و تماما غیر اسلامی از نظر فرهنگ و تنیده با معیارها و استانداردها و انتظارات زندگی دنیای امروز، در تناقض بنیادی قرار دارد. گرچه با نمونه های سناریو سیاه و تهی کردن برخی جوامع از هر نشان مدنی، رویاهای شوم حکومت اسلامی و پیامهای مرگبار کابینه جنایتکاران، منشا امید

رژیم اسلامی برای بقا است، اما تصور اینکه پس از نتایج هولناک چنان دالانهای وحشت و سیاهی در عراق و یوگوسلاوی سابق، نقشه شوم سران رژیم اسلامی جامعه ایران را منکوب و مقهور خود کند، بسیار دور از انتظار است. رژیم اسلامی ممکن است بتواند مشتی هنرمند و نویسنده و روزنامه نگار و شاعر ملی اسلامی را به زندگی در سایه خفقان و استبداد سیاه خود عادت دهد، اما اینها بقایای فرهنگ و تسلیم و رضایت و

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

## گارد آزادی، پیام آور آزادی و برابری



r\_hoseinzadeh@yahoo.com

### رحمان حسین زاده

هرساله پروژه رهبران کمونیست صیقل یافت و به اینجا رسید، که اولین بار در شهریور ۱۳۷۸ توسط عبدالله دارابی و واحدهای همراهش در حومه مریوان ابراز وجود کردند. همان وقت منصور حکمت عزیز عنوان مناسب و جذاب رهبران کمونیست را بر آن نهادند و در مورد اهمیتش با قلم تیزش نوشت و مشوق اصلی تشکیلات کردستان حزب برای تداوم این پروژه بود.

از آن بعد هر سال پروژه رهبران کمونیست در میان مردم تداوم داشته است و همزمان با این فعالیتها تعیین اسم مشخص و متمایز کننده از سنت "پیشمرگایه تی" و "چپ سنتی و چریکی در سطح جهانی و منطقه، برای نیروی مسلح ما موضوعیت جدی پیدا کرد. در این چند سال اسامی متعددی از جمله "پارتیزان کمونیست"، "گارد سرخ" و ..... نهایتاً "گارد آزادی" مطرح شدند. هر یک از اسامی دیگر به دلایلی رد شدند. در اینجا فرصت پرداختن به آن دلایل نیست. در میان این اسامی سال گذشته در مورد عنوان "گارد آزادی" به توافق رسیده و تصمیم گرفتیم.

حضور موثر حکمتیستها در اعتصاب عمومی مردم کردستان و خیررهبران کمونیست و گارد آزادی به ابتکار و همت حکمتیستها عطف کمونیستها و حکمتیستها را برای جایجایی نیرو و تغییر تناسب قوا به نفع کمونیسم و کارگر و چپ در جامعه

حضور موفق و موثر گارد آزادی به همراه رهبران محبوب سه دهه مبارزات آزادیخواهانه و انقلابی مردم مجید حسینی و عبدالله دارابی در حومه شهر مریوان نام و نیروی جدیدی را به فرهنگ مبارزاتی مردم علیه تبعیض و نابرابری و ستام و علیه جمهوری اسلامی و برای تحقق آزادی و برابری اضافه کرد. گارد آزادی سر زبانها افتاده است. تبلیغ میشود و با حضور و فعالیت موثرش در حومه مریوان جای خود را در دل مردم تشنه آزادی باز میکند.

### ۲۲ مرداد مقطع مهم فعالیت گارد آزادی

شبه ۲۲ مرداد امسال واحدهای گارد آزادی با درایت و کاردانی و با حمایت توده ای و اتکا به تجارب فرماندهان و کادرهای با تجربه ای چون خالد علی پناه، سردار نگلی، یدی کریمی و کمال رضایی (مربزان) و همکاری عملی طیف وسیع جوانان پرشور خود را به ۳ کیلومتری پادگان نظامی رژیم در شهر مریوان رساندند و در روستای چسپیده به شهر "لنج آوا" حفاظت اجتماع توده ای مردم و رهبران حزب حکمتیست مجید حسینی و عبدالله دارابی را به عهده گرفتند. نقش موثر گارد آزادی در این حرکت نقطه عطفی در شکل گیری نیروی حفاظتی و مسلح کمونیستی و متعلق به طبقه کارگر و مردم زحمتکش است.

در نتیجه ۲۲ مرداد ۱۳۸۴ را میشود به عنوان روز گارد آزادی یاد کرد. و هر سال در این روز فعالیتهای این نیرو و دستاوردها و مسائل پیشرو آن را بررسی کرد. این نیرو در بطن تجربه

تروریسم جمهوری اسلامی در شکل دولت خود را بر مردم تحمیل کرده است. در جامعه ای که ۲۶ سال است جمهوری اسلامی نیروی نظامی و انتظامی را به جان مردم انداخته است و مشخصاً در جامعه کردستان که رژیم حاکم از ۲۸ مرداد ۵۸ تاکنون رسماً جنگ تمام عیاری را علیه مردم کردستان اعلام کرده و هر شهر و روستا و کل این منطقه را با لشکرکشی و زور نظامی و جنگ و کشتار به تصرف در آورده است. و در شرایطی که مردم برای مقابله و مقاومت دست به اسلحه برده اند، حزب کمونیستی کارگران و طالب قدرت سیاسی دخالترانه باید این عرصه را متکی بر افق و سیاست و الگو و سنت مبارزاتی خود سازمان دهد. ضرورت سیاسی سازماندهی گارد آزادی بر ای حزب حکمتیست از همین جا ناشی میشود. مضافاً احزاب ناسیونالیست در کردستان مسلحند. اینها اگر اهرم نظامی را در مقابل دولتهای ارتجاعی مرکزی به منظور رسیدن به سازش جهت شریک شدن در قدرت بکار میگیرند. همان اسلحه را برای مقابله و سرکوب صف آزادیخواهی و حق طلبی کارگر و توده مردم زحمتکش و کمونیستها بکار میگیرند. تجربه دو دهه گذشته تقابل کمونیسم و ناسیونالیسم در کردستان ایران و عراق همین را نشان میدهد. این واقعیت ضرورت سازماندهی عرصه نظامی توسط کمونیستها را ده چندان تاکید میکند. گارد آزادی جوابی به این نیاز هم هست.

همین جا هر انسان مبارز و هر جوان پرشور و رادیکال که خود را در اهداف سیاسی آزادی شریک میدانند به آزادی فرامیخوانم. هر کس که میخواهد به نیروی گارد آزادی بپیوندد با تشکیلات کردستان حزب، با کمیته شهرها و با رهبران و شخصیتها و کادرهای شناخته شده حزب در کردستان تماس بگیرد. صفوف گارد آزادی پذیرای هر انسان پرشور و مبارزیست که از این طریق جنبش آزادی و برابری را تقویت میکند.

گارد آزادی را باید تقویت کرد و گسترش داد. واحدهای مسلح گارد آزادی را باید در شهر و روستاهای کردستان و در محیط کار و زیست مردم سازمان داد.

نشان میدهد. آن سنت لنینی و حکمتی را برجسته میکند که قرار نیست چپ و کمونیسم باردیگر یا "قربانیان بی آزار تاریخ" یا "گروه فشار آتشین مزاج" در بطن تحولات بر سر قدرت سیاسی باشند. بلکه مستقیماً میخواهند نیروی معادله قدرت و کسب قدرت سیاسی توسط حزب کمونیستی باشند. تازه این آغاز کارما و دنیایی وظایف پیچیده در انتظار ما است. فعالیت گارد آزادی در این چارچوب حائز اهمیت است.

### اهداف گارد آزادی

اهداف گارد آزادی جدا از اهداف حزب حکمتیست نیست. همان هدفی را تعقیب میکند که کل حزب بر اساس برنامه و اهداف و استراتژی خود تعقیب میکند. رهایی انسان و تحقق آزادی و برابری و حکومت کارگری قطب نمای این نیرو و الهام بخش آن است. در یک کلام گارد آزادی پیام آور آزادی و برابری است. نقطه عزیمت حزب حکمتیست برای نجات جامعه از نظم سرمایه و جهنم جمهوری اسلامی بسیج طبقه کارگر و توده مردم زحمتکش، به میدان کشیدن جنبش اعتراض کارگری و توده ای و جنبش اعتراض شهری و سازماندهی و هدایت مبارزات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران و توده وسیع مردم جان به لب رسیده و در یک کلام سازماندهی انقلاب کارگری و رهایی قطعی جامعه است. چنین مبارزه و توده انقلابی حزب سیاسی و توده ای را میطلبد که مستقیماً جوابگوی عرصه های متنوع و پیچیده این مبارزه باشد. بر این اساس فعالیت مسلحانه و سازماندهی گارد آزادی یکی از این عرصه ها در کنار جنبش و حزب ماست. در جامعه ای که رژیمهای استبدادی تا دندان مسلح حاکمند. در جامعه ای که

**کمونیست را تکثیر**

**و پخش کنید!**

**به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست بپیوندید!**